

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

روبن ژوست دی آنکوس
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختري
۲۹ مارچ ۲۰۲۰

رقابت جنگ طلبانه اروپا: چه کسانی پشت صنعت جنگ هستند؟



صنعت دفاعی اروپا بهترین دوران خود را از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون سپری می‌کند، آن هم به لطف حمایت کمیسیون اروپا و تلاش‌های محور فرانسه-آلمان، که این صنعت را راه نجاتی برای رکود اقتصادی خود می‌بیند.

اروپا و مسیر افزایش هزینه‌های نظامی

فراتر از موضع ترمپ در قبال صلح احتمالی در اوکراین، اروپا به‌طور قطعی در مسیر افزایش بودجه نظامی گام برداشته است. کمیسیون اروپا، به ریاست اورسولا فون در لاین، وزیر دفاع سابق آلمان، که ائتلاف بزرگی از راست افراطی، سوسیالیست‌ها و محافظه‌کاران را دربرمی‌گیرد، وعده تخصیص ۸۰۰ میلیارد یورو را داده است. فون در لاین اوایل مارچ، پس از تعلیق کمک‌های آمریکا به اوکراین توسط ترمپ، اعلام کرد:

«ما در دوران تجدید تسلیحاتی هستیم و اروپا آماده است تا هزینه‌های دفاعی خود را به‌شدت افزایش دهد.» برنامه جدید، تحت عنوان «تجدید تسلیحات اروپا»، برخی از قواعد سنتی اتحادیه را کنار می‌گذارد؛ از جمله تعلیق قوانین مربوط به کسری بودجه برای مجاز دانستن استقراض در زمینه هزینه‌های نظامی و همچنین خرید مشترک

تجهیزات نظامی برای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها و فشار بر زنجیره‌های تأمین. افزون بر این، برای این خریدها، وام‌هایی به ارزش ۱۸۰ میلیارد یورو در نظر گرفته شده است.

هدف این برنامه، «تأمین دستگاه‌های دفاع هوایی و ضد راکتی، سیستم‌های توپخانه‌ای، راکت‌ها و مهمات، پهپادها و دستگاه‌های ضدپهپادی» است و همچنین «نیازهای دیگری همچون امنیت سایبری و زیرساخت‌های حمل‌ونقل نظامی» را نیز شامل می‌شود.

با چنین روندی، این پرسش مطرح می‌شود که کدام بازیگران از این مسابقه تسلیحاتی سود خواهند برد؟

رکود اقتصادی محور فرانسه- آلمان

امانوئل مکران و صنعت دفاعی فرانسه از بزرگترین برندگان این برنامه هستند. پس از اعلام انتخابات زود هنگام سال گذشته و شکست پروژه سیاسی جانشین محافظه‌کار او، میشل بارنیه، مشکلات اقتصادی مکران رو به افزایش گذاشته است.

در ماه‌های اخیر، او شریک آلمانی خود، اولاف شولتس، و به‌ویژه رئیس‌جمهور آمریکا، جو بایدن، را که در اوکراین با او هم‌راستا بود، از دست داده است. اقتصاد فرانسه همچنان در وضعیت رکود قرار دارد و تنها رشد ضعیف ۱.۱ درصدی را در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ تجربه کرده است. علاوه بر این، بحران سیاسی و آمارهای اقتصادی نامطلوب باعث کاهش رتبه اعتباری این کشور شده است، در حالی که بهره بدهی‌های دولتی به بالاترین میزان خود از بحران ۲۰۱۱ رسیده است.

این وضعیت مستقیماً بر خانواده‌های فرانسوی تأثیر گذاشته است. بر اساس نظرسنجی ایپسوس (IPSOS)، ۳۲٪ از مردم فرانسه می‌گویند که به سختی می‌توانند نیازهای اساسی خود را تأمین کنند (افزایش ۲ درصدی نسبت به سال قبل) و ۱۳٪ به‌طور کامل از عهده آن برنمی‌آیند (+۱ درصد). به‌طور کلی، تقریباً نیمی از مردم فرانسه (۴۵٪) در وضعیت اقتصادی دشواری به سر می‌برند، که این رقم در مقایسه با سال ۲۰۲۳، سه درصد افزایش یافته است.

در جنوری، یک نظرسنجی دیگر نشان داد که مکران کمترین محبوبیت را در بین رؤسای‌جمهور فرانسه از زمان فرانسوا اولاند در سال ۲۰۱۵ دارد. در چنین شرایطی، مکران با اشتیاق کامل برنامه تسلیحاتی اروپا را پذیرفته و قوانین کسری بودجه را زیر سؤال برده است. او در جنوری اعلام کرد که این قوانین «منسوخ شده‌اند»، در حالی که بدهی عمومی فرانسه به ۱۱۳.۷٪ تولید ناخالص داخلی و کسری بودجه به ۶٪ رسیده است – رقمی که دو برابر حد مجاز تعیین‌شده در پیمان ثبات و رشد اتحادیه اروپا (۳٪ برای کسری و ۶۰٪ برای بدهی عمومی) است. فرانسه با اتکا به برنامه تسلیحاتی اروپا، آینده خود را به عملکرد صنایع دفاعی خود پیوند زده است. پس از سه سال جنگ در اوکراین، فرانسه به دومین صادرکننده بزرگ سلاح در جهان تبدیل شده است، پس از ایالات متحده. پنج شرکت فرانسوی در میان ۵۰ تولیدکننده برتر اسلحه جهان قرار دارند:

تالس (Thales)

داسو (Dassault)

گروه ناول (Naval Group)

سافران (Safran)

کمیساریای انرژی اتومی و انرژی‌های جایگزین (CEA)

این شرکت‌ها به دلیل مشارکت مستقیم دولت فرانسه و وزارت دفاع در مالکیت و مدیریت آن‌ها، نقش کلیدی در این صنعت ایفا می‌کنند. این ساختار به نفع هر دو طرف است: از یک سو، دولت سفارش‌های خرید خود را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، این شرکت‌ها درآمد بیشتری کسب می‌کنند. به عنوان نمونه، فروش سلاح شرکت تالس در سال ۲۰۲۴، ۴۵٪ افزایش یافته است.

المان: غول صنعتی متوقف‌شده

المان نیز یکی از کشورهایی است که این جنگ را به عنوان راهی برای خروج از بحران اقتصادی می‌بیند. اقتصاد المان پس از بحران کرونا و پایان دسترسی به گاز ارزان روسیه، هنوز بهبود نیافته است. تولید صنعتی المان همچنان ۱۰٪ کمتر از سطح قبل از بحران است و در سال ۲۰۲۴، ۳٪ کاهش یافته است. این کشور دو سال متوالی (۲۰۲۳ و ۲۰۲۴) رشد اقتصادی منفی را تجربه کرده است – وضعیتی که از اوایل دهه ۲۰۰۰ تاکنون بی‌سابقه بوده است.

تأثیر رکود اقتصادی در تغییرات اخیر سیاسی المان نیز دیده می‌شود. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که مشکلات اقتصادی و مهاجرت، مهم‌ترین دغدغه‌های مردم المان بوده‌اند و همین مسائل موجب تغییر دولت شده‌اند. یکی دیگر از دشواری‌های بزرگ، افزایش شکاف طبقاتی در این کشور است، پدیده‌ای که در سایر کشورهای اروپایی نیز مشاهده می‌شود.

شرایط زندگی بسیاری از مردم المان بدتر شده است و این کشور در برخی شاخص‌های مربوط به فقر، در میان کشورهای پیشرو قرار گرفته است. ۸.۲٪ از جمعیت المان در سال ۲۰۲۴ با مشکل گرمایش خانه‌های خود مواجه بودند، در مقایسه با ۲۰.۸٪ در اسپانیا (که در رتبه نخست قرار دارد)، ۴.۷٪ در پولند، ۲.۶٪ در فنلاند و ۳.۹٪ در اتریش. این آمار به‌وضوح نشان می‌دهد که افزایش قیمت انرژی پس از جنگ اوکراین، تأثیر قابل توجهی بر خانوارهای آلمانی داشته است – در حالی که این نرخ در سال ۲۰۱۹ فقط ۲.۵٪ بود.

عناصر مورد بهره‌برداری راست افراطی و تأثیر آن بر تبلیغات مثبت مسابقه تسلیحاتی

راست افراطی توانسته است از برخی عوامل به نفع خود استفاده کند، عواملی که در ایجاد تبلیغات مثبت برای این رقابت تسلیحاتی نقش دارند. در حالی که شرکت‌های بزرگی مانند فولکس‌واگن با بحران مواجه هستند، صنعت دفاعی المان در حال رشد است. شرکت‌های نمادین تیسن‌کروپ (ThyssenKrupp) و راین‌متال (Rheinmetall AG) سال‌ها سوددهی مستمر داشته‌اند و اخیراً راین‌متال در حال مذاکره برای خرید کارخانه فولکس‌واگن در اوسنابروک به منظور تولید تانک است.

خلاف شرکت‌های فرانسوی، این کمپانی‌ها شرکت‌های سهامی عام هستند و صندوق‌های سرمایه‌گذاری امریکایی، مانند بلک‌راک (BlackRock)، ونگارد (Vanguard) و FMR، سهامداران اصلی آن‌ها محسوب می‌شوند. در مورد تیسن‌کروپ، خانواده کروپ نیز در کنار این صندوق‌ها سهامدار عمده شرکت است.

بریتانیایی‌ها: برندگان بزرگ طرح تسلیحاتی اروپا

یکی دیگر از برندگان این رقابت جنگ‌طلبانه، بریتانیا است. پس از یک دوره بحرانی پرتشنج، که تحت رهبری حزب محافظه‌کار و در پی خروج از اتحادیه اروپا (برگزیت) رخ داد، حزب کارگر به رهبری کیر استارمر (Keir Starmer)، مواضع خود را با سیاست‌های اروپائی در قبال اوکراین همسو کرده است. نخستین اقدام نمادین در این راستا، دعوت از ولودیمیر زلنسکی برای حضور در جلسه کابینه جدید بریتانیا در جولای سال گذشته بود – اتفاقی که در ۳۰ سال اخیر برای هیچ رهبر خارجی رخ نداده بود. در حال حاضر، استارمر وفادارترین متحد رئیس‌جمهور اوکراین محسوب می‌شود. او از ارسال نیروهای نظامی، جنگنده‌ها و سربازان به اوکراین حمایت کرده است – اقدامی که روسیه آن را اعلام مستقیم جنگ تلقی می‌کند. برای کاهش تشنج، او اخیراً پیشنهاد اعزام یک واحد «صلح» را مطرح کرده است. همچنین، استارمر بر تعهد خود برای افزایش هزینه‌های نظامی به ۲.۵٪ تولید ناخالص داخلی تأکید دارد. در وبسایت حزب کارگر آمده است:

«ما به هرج‌ومرج پایان می‌دهیم، ورق را برمی‌گردانیم و بر پایه‌های امنیت ملی، مرزهای امن و ثبات اقتصادی بازمی‌گردیم.»

از ۱۰۰ شرکت بزرگ دفاعی جهان، هفت شرکت بریتانیائی هستند. در این میان، شرکت BAE Systems نقش کلیدی در برنامه تسلیحاتی اروپا دارد. این شرکت در زمینه‌های راکت‌سازی، دستگاه‌های دفاعی، خودروهای زرهی و حمل‌ونقل نظامی، و دستگاه‌های ارتباطی پیشرو است و ۱۷٪ از کل فروش صنایع نظامی و دفاعی اروپا را به خود اختصاص داده است.

این وضعیت باعث شده است که بروکسل سیاست «خرید بیشتر، بهتر و اروپائی‌تر» را تغییر داده و شرکت‌های دفاعی بریتانیا و همچنین کشورهایمانند ترکیه را در این معادله بگنجاند.

مشابه صنایع نظامی آلمان، شرکت‌های بریتانیائی نیز تحت تسلط صندوق‌های سرمایه‌گذاری امریکائی قرار دارند. با این حال، پس از خصوصی‌سازی‌های دوران مارگارت تاچر، دولت بریتانیا «حق وتوی طلایی» (Golden Share) را برای خود محفوظ نگه داشت. این حق، دولت را قادر می‌سازد تا از تصاحب کرسی‌های هیأت‌مدیره توسط سرمایه‌گذاران خارجی جلوگیری کرده و اطمینان حاصل کند که رئیس هیأت‌مدیره شرکت‌های دفاعی همیشه یک شهروند بریتانیائی باشد.

سرمایه‌گذاری مالی امریکا: پیشگام صنعت جنگ

با وجود اهمیت بالای صنایع دفاعی اروپا، وابستگی این شرکت‌ها به غول‌های امنیتی و دفاعی امریکا امری آشکار است – وابستگی که پس از تهاجم روسیه به اوکراین افزایش یافته است.

بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹، ۵۲٪ از واردات تجهیزات دفاعی کشورهای اتحادیه اروپا از امریکا بود. این رقم بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴ به ۶۴٪ افزایش یافته است، که ناشی از افزایش ۱۵۵ درصدی واردات سلاح در اروپا است (طبق داده‌های مؤسسه تحقیقات صلح ستنکلم).

شرکت‌های اسلحه‌سازی امریکائی بزرگ‌ترین برندگان جنگ اوکراین بوده‌اند و همچنان موقعیت مسلط خود در بازار جهانی را حفظ کرده‌اند. از آغاز جنگ، سهم امریکا از صادرات جهانی سلاح از ۳۵٪ به ۴۳٪ افزایش یافته و این کشور را به آستانه کنترل نیمی از بازار جهانی سلاح رسانده است.

برتری بلامنازع شرکت‌های امریکائی در صنعت دفاعی

بر اساس داده‌های CTXT ، از ۵۲۳ شرکت اسلحه‌سازی در سطح جهانی، ۱۸۵ شرکت امریکائی هستند. درآمد این شرکت‌ها مجموعاً به ۵۷۴.۷۱۶ میلیارد دلار می‌رسد - رقمی که فاصله زیادی با فرانسه، دومین کشور در این فهرست، دارد (با ۹۷.۵۱۳ میلیارد دلار درآمد).

در صدر این فهرست، شرکت RTX قرار دارد که با ۸۰.۷۳۸ میلیارد دلار درآمد، به‌تنهایی به اندازه کل صنایع دفاعی فرانسه درآمد دارد. یکی از مهم‌ترین زیرمجموعه‌های این شرکت، Raytheon Missiles & Defense است، که تولیدکننده راکت‌های پاتریوت محسوب می‌شود - دستگاهی که تقاضای بالایی در جنگ اوکراین دارد. علاوه بر این، ریتون یکی از تأمین‌کنندگان اصلی تسلیحات اسرائیل است، چه از طریق فروش مستقیم و چه از طریق برنامه‌های تأمین مالی دولت امریکا برای اسرائیل.

سلطه امریکا بر صنایع نظامی از طریق سرمایه‌گذاری مالی

برتری امریکا تنها به شرکت‌های تسلیحاتی محدود نمی‌شود، بلکه این کشور از طریق سرمایه‌گذاری‌های مالی نیز کنترل گسترده‌ای بر این صنعت دارد.

صندوق سرمایه‌گذاری بلک‌راک (BlackRock) بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار این بخش است و در ۵۴۲ شرکت مرتبط با صنایع دفاعی سهام دارد. پس از آن، Invesco، Fidelity، و Vanguard قرار دارند که صدها سرمایه‌گذاری در شرکت‌های کلیدی این صنعت انجام داده‌اند.

یکی دیگر از شرکت‌های بزرگ تسلیحاتی لاکهید مارتین (Lockheed Martin) است، که سازنده جنگنده مشهور F-35 محسوب می‌شود - جنگنده‌ای که در حال حاضر اکثر کشورهای غربی از آن استفاده می‌کنند.

پس از اعلام افزایش تعرفه‌های واردات توسط ترامپ، برخی کشورها از جمله کانادا و چندین کشور اروپایی در حال بررسی جایگزینی این جنگنده با Eurofighter ساخت ایرباس هستند.

بانک امریکائی State Street ، که از بازیگران اصلی در بازار مالی است، سهامدار عمده شرکت RTX Corporation بوده و همچنین سهامدار اصلی لاکهید مارتین است - نشانه‌ای دیگر از نفوذ گسترده امریکا در صنعت دفاعی جهانی.

تسلیحات مجدد اروپا: اقدامات انجام‌شده تاکنون

در مواجهه با رقابت میان بلوک‌های تولیدی، کمیسیون اروپا پیشنهاد خریدهای مشترک برای کشورهای عضو و ایجاد یک صندوق مشترک را مطرح کرده است تا از مشکلات تأمین، مشابه آنچه در دوران پاندمی رخ داد، جلوگیری کند. یکپارچه‌سازی بودجه یکی از نخستین گام‌ها به سمت هماهنگی عملیاتی نیروهای نظامی اروپا و دستیابی به خودمختاری ستراتیژیک است.

همان‌طور که مشخص شده، مشکل اصلی اروپا نه سطح پائین هزینه‌های نظامی (که پس از امریکا در جایگاه دوم قرار دارد)، بلکه وابستگی به تأمین تجهیزات نظامی و ناهماهنگی بین ارتش‌های کشورهای عضو است. در این راستا، در ۶ مارچ، پس از جلسه شورای اروپا و رونمایی از طرح «تجهیز مجدد اروپا» (Rearmar Europa)، بر این موضوع تأکید شد که اروپا «عزم راسخ برای کاهش وابستگی‌های ستراتیژیک و افزایش توانمندی‌های دفاعی خود دارد. بنابراین، باید زیرساخت‌های فناورانه و صنعتی دفاعی اتحادیه اروپا تقویت شوند.»

این طرح شامل خریدهای مشترک و همچنین حمایت از صنایع دفاعی اروپا از طریق بودجه‌های ملی و وام‌های بانک سرمایه‌گذاری اروپا (به ریاست نادیا کالوینیو) است.

طبق گزارش مؤسسه الکانو، در چارچوب این سیاست‌ها، دفاع به‌عنوان ابزاری رقابتی در نظر گرفته می‌شود و سرمایه‌گذاری‌های دفاعی نه تنها برای افزایش قدرت نظامی، بلکه برای تقویت صنعت، اشتغال‌زایی و رفاه اقتصادی به کار گرفته می‌شود.

صندوق دفاعی اروپا و دشواری‌های آن

یکی از نخستین طرح‌های اجرا شده در این زمینه، «صندوق دفاعی اروپا» بود که پس از تهاجم روسیه به اوکراین در اواخر ۲۰۲۱ راه‌اندازی شد. با این حال، مؤسسه DELAS این صندوق را به دلیل شفافیت پائین در تخصیص منابع و حمایت از پروژه‌های بحث‌برانگیزی مانند پهپادهای مجهز به هوش مصنوعی مورد انتقاد قرار داده است. این صندوق بر نوآوری و توسعه در برنامه‌های نظامی تمرکز دارد و طبق گزارش مؤسسه DELAS، بیش از ۳۰٪ از منابع آن تنها به پنج شرکت اختصاص یافته است: لئوناردو (Leonardo)، تالس (Thales)، ایرباس (Airbus)، ساب (Saab) و ایندرا (Indra). از آنجایی که این شرکت‌ها در طراحی و ایجاد این صندوق به‌عنوان مشاور کمیسیون اروپا نقش داشته‌اند، مسأله تضاد منافع مطرح شده است.

در مقابل، برخی تحلیلگران این همکاری میان شرکت‌های خصوصی و دولتی اروپایی را ضرورتی برای دستیابی به خودمختاری دفاعی اروپا می‌دانند. به‌ویژه این که صنعت دفاعی اساساً یک بازار انحصاری است که خریدار اصلی آن دولت‌ها هستند و از شرکت‌هایی که تحت نظارت و هدایت دولت فعالیت می‌کنند، حمایت می‌شود.

نمونه‌ای از این ستراتیژی: ایرباس و نقش آن در برنامه‌های دفاعی

یکی از بارزترین نمونه‌های این همکاری میان دولت و صنعت نظامی، شرکت ایرباس است. ایرباس آئرواسپیس و ایرباس میلپتری دو زیرمجموعه اصلی این غول صنایع دفاعی محسوب می‌شوند که تحت مالکیت کنسرسیوم EADS قرار دارند. این کنسرسیوم در ابتداء توسط شرکت‌های ماترا (فرانسه)، دایملر (آلمان) و CASA (اسپانیا) تأسیس شد و هم‌اکنون دولت‌های اسپانیا (۴٪)، فرانسه (۱۰.۸۳٪) و آلمان (۱۰.۸۲٪) سهامداران اصلی آن هستند.

ایرباس بزرگترین دریافت‌کننده منابع از صندوق دفاعی اروپا و یکی از اصلی‌ترین پیمانکاران نظامی دولت‌های اروپایی، از جمله اسپانیا محسوب می‌شود.

اسپانیا: هم‌راستا با یک مجتمع فناوری- نظامی

همواره این انتقاد مطرح بوده که اسپانیا در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی، هزینه دفاعی کمتری نسبت به تولید ناخالص داخلی خود دارد.

با این حال، دولت پدرو سانچز در اجلاس ناتو در مادرید (۲۰۲۱) متعهد شد که بودجه دفاعی را تا سال ۲۰۲۹ به ۲٪ از تولید ناخالص داخلی افزایش دهد.

باین‌حال، تحلیل فلیکس آرتگا، پژوهشگر مؤسسه الکانو، نشان می‌دهد که این رقم نسبی است. او اشاره می‌کند که اسپانیا ۳۰.۳٪ از هزینه‌های دفاعی خود را به خرید تجهیزات اختصاص می‌دهد – بالاتر از امریکا (۲۹.۹٪)، دانمارک (۲۹.۸٪)، آلمان (۲۸.۷٪)، فرانسه (۲۸.۴٪) و ایتالیا (۲۲.۱٪). علاوه بر این، هزینه‌های نظامی اسپانیا طی یک دهه گذشته افزایش چشمگیری داشته است. بین ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴، این هزینه‌ها ۱۰۷٪ افزایش یافته‌اند. باین‌حال، این رشد به دلیل افزایش تولید ناخالص داخلی کمتر به چشم می‌آید. تحلیلگر مؤسسه الکانو بر این باور است که دستیابی به هدف ۲٪ از تولید ناخالص داخلی در شرایط کنونی غیرممکن است، زیرا این امر مستلزم افزایش قابل‌توجهی در بودجه دفاعی است، که با توجه به عدم وجود اکثریت پارلمانی برای تصویب یک بودجه جدید، دشوار به نظر می‌رسد.

تمرکز بودجه نظامی اسپانیا بر شرکت‌های خاص

بررسی بودجه دفاعی اسپانیا نشان‌دهنده تمرکز شدید منابع مالی بر چند شرکت خاص است:

ایرباس (۶۰.۴۹٪)

ناوانتیا (Navantia) (۱۴.۲٪)

ایندرا (Indra) (۵.۸٪)

طبق گزارش سالانه وزارت دفاع اسپانیا، هدف از افزایش بودجه دفاعی، توسعه برنامه‌های تسلیحاتی است. این شامل پروژه‌هایی مانند کشتی‌های هیدروگرافیک، دستگاه رادیویی تاکتیکی SCRT، پهپاد Sirtap، دستگاه‌های فرماندهی و کنترل، راکت‌های پاتریوت، و جایگزینی هواپیماها و هلیکوپترها می‌شود.

این پروژه‌ها در کنار برنامه‌های در حال توسعه‌ای همچون خودروی زرهی ۸×۸، ناوچه F-110، تجت البحری-S-80، هلیکوپتر NH-90، جنگنده نسل آینده NGWS/FCAS، جنگنده EF2000، هواپیمای ترابری A400M و ماهواره‌های HISDESAT قرار دارند.

تلاقی سیاست‌های دفاعی و اقتصادی دولت سانچز

روندهای فعلی در سرمایه‌گذاری‌های تحقیق و توسعه در حوزه دفاعی اسپانیا با تصمیمات اقتصادی اخیر دولت سانچز همخوانی دارد.

دو اقدام مهم در این زمینه عبارت‌اند از:

انتصاب مارک مورترا (رئیس پیشین شرکت Indra) به‌عنوان مدیرعامل شرکت مخابراتی – Telefónica این شرکت ۱۰٪ از سهام خود را در اختیار SEPI (نهاد دولتی مدیریت دارایی‌های استراتژیک اسپانیا) قرار داده است. تملک شرکت Hispasat توسط – Indra این اقدام نشان‌دهنده تمرکز دولت بر حوزه مخابرات به‌عنوان بخشی کلیدی از امنیت ملی و استراتژی دفاعی اسپانیا است.

این تحولات نشان می‌دهد که دولت اسپانیا به‌طور جدی در حال تقویت ارتباط میان صنایع فناوری، مخابرات و دفاعی به‌عنوان بخشی از استراتژی امنیت ملی خود است.

از سوی دیگر، شرکت ایندرا (Indra) که تحت کنترل دولت قرار دارد (و تحت مدیریت برادران اسکریبان است که با موافقت دولت مونکلوا، ۱۵٪ از سهام آن را در اختیار دارند)، قصد دارد از سرمایه‌گذاری‌های جدید برای خرید شرکت‌های دیگر و گسترش حوزه فعالیت خود بهره‌برد. یکی از نمونه‌های این سیاست، تملک شرکت امریکائی

تولیدکننده خودروهای زرهی سانتا باربارا (Santa Bárbara) است. ایندرا در حال حاضر بخش الکترونیک خودروهای زرهی ۸×۸ را تولید می‌کند، اما قصد دارد با تصاحب این شرکت، کنترل کامل بر فرآیند تولید آن‌ها را در دست بگیرد.

همچنین، تملک شرکت ماهواره‌ای و مخابراتی هیسپاسات (Hispasat) از دیگر گام‌های ایندرا در این راستا بوده است. کارلوس کورپو (Carlos Cuerpo)، وزیر اقتصاد اسپانیا، این اقدام را «خبر بسیار خوبی برای اسپانیا» توصیف کرده، زیرا به گفته او، «این معامله یک شرکت ستراتیژیک را در بخشی کلیدی مانند هوافضا و ارتباطات تقویت می‌کند.»

تحولات در برنامه تسلیحاتی اروپا و رویکرد اسپانیا

با اعلام طرح تجهیز مجدد نیروهای نظامی اروپا از سوی اورزولا فن در لاین (Von der Leyen)، و با توجه به مقاومت سنتی افکار عمومی اسپانیا در برابر افزایش هزینه‌های نظامی، پدرو سانچز تلاش دارد تا برنامه «تجهیز مجدد اروپا» (Rearmar Europa) را بازتعریف کند و تمرکز آن را از صرفاً تسلیحات به امنیت گسترده‌تر سوق دهد. این تحولات نشان‌دهنده سیاست دولت اسپانیا برای رقابت با سایر کشورهای اروپایی در حوزه تحقیق و توسعه (R&D) و بهرگیری از کنسرسیوم‌های دولتی-خصوصی برای جذب منابع جدیدی است که در بروکسل تصویب شده‌اند. این رویکرد هم‌راستا با دیدگاه فرانسه و آلمان است، که به دنبال پیوند زدن افزایش هزینه‌های دفاعی با ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی هستند. در همین زمینه، آمپارو والکارته (Amparo Valcarce)، دبیر دولت در امور دفاعی، از تعهد دولت سانچز به افزایش هزینه‌های نظامی دفاع کرده و تأکید کرده که «تنها در سال ۲۰۲۳، بیش از ۱۲۰ هزار نفر در بخش دفاع و امنیت اسپانیا مشغول به کار بودند.»

تلاقی منافع اروپا و آمریکا در صنعت نظامی

به نظر می‌رسد این تحولات در صنعت تسلیحات اروپا با منافع شرکت‌های مالی-نظامی آمریکا در تضاد نیست. ایالات متحده در اکثر شرکت‌های نظامی اروپایی به‌عنوان سهامدار عمده یا حتی سهامدار اصلی حضور دارد. برای مثال، در ایندرا، شرکت آمریکایی گلدمن ساکس (Goldman Sachs) سهم بیشتری نسبت به برادران اسکرپیان دارد. این وضعیت در تلفونیکا (Telefónica) نیز پیش از ورود دولت اسپانیا به ترکیب سهامداران آن، دیده می‌شد.

دوران طلایی صنعت تسلیحات اروپا؟

در مجموع، صنعت تسلیحات اروپا در بهترین وضعیت خود از زمان جنگ جهانی دوم قرار دارد. این رونق بی‌سابقه نتیجه حمایت کمیسیون اروپا و همکاری محور فرانسه-آلمان است، زیرا این کشورها صنایع نظامی را راهی برای مقابله با رکود اقتصادی و تثبیت مشروعیت دولت‌هایشان می‌بینند. این تحولات چشم‌انداز آینده‌ای را ترسیم می‌کند که در آن دولت‌های اروپایی هم‌زمان دو هدف را دنبال می‌کنند: کنترل پروژه‌های صنایع نظامی برای تأمین نیازهای عملیاتی خود و بهرمندی از سودآوری این صنعت در حال رشد، که باید با غول‌های تسلیحاتی آمریکایی رقابت کند.

۲۸ مارچ ۲۰۲۵